

محقق تمام آنچه علی حکیم ترمذی در حدیث قدسیه مذکور است و ظن آنکه الفراق و جرم بداند  
یقیناً آن مردی بدایت از مال و زن و فرزند و دوستان و الفت الساقی بالشیء  
و جوی بیرون شود و ساقی با ساقی بای در کفن و قبل بختی بسختی بپوشد و قیل و خیال با رخ  
آخرت جمع شود و عرب سختی را ساقی گویند الی تک یومئذ للساقی پیروزگار شود  
روز را بداند باشد و خلق را یعنی خلق را بخاری حق تعالی برانند روح بهشتی بعلین معنی با ساقی  
در روح و در دنیا بسختی نیز زمین مستقیم بر نه فلا صدق پس راست گوی داشت رسول خدا  
آن اوج و الاصلی و نماز کرد و لکن کذب و کفر و لیکن دروغ گوی داشت رسول را در  
بگردانید از حق ثم ذهب الی اهل بیت علی با زلفت بسوی خود میخامد انصاری  
الی الانسان فی قوله تعالی بحسب الانسان و مراد از من سخن ابو جبر است یا که فرد بکفر  
خرامیدن برین عای بد کرد برش کافر و کنت جل جلاله اولک فاولی ثم اهلک  
فاولی و ای بر تو باد ای کافر پس و ای بر تو باد و بر کافر باز و ای بر تو باد و قبل معنی الایة  
نزدیک باد بر تو آنچه فلان کندت بلای تو نزدیک است بر حدیث با شاولی جسد و کفر خیره  
لیحسب الانسان ان یتوکل علی نفسه و این آدی یعنی ابو جبر کفر و کذاشته شد  
و بر اهل بیت علی امرونی و عذاب و رحمت و در دنیا و عقبی کسی را ما بوی کاری نباشد و چون  
بگردانند نه شود و اینجین میدانند کافر ما چنین نیست دلیل بیان کرد بر حدیث خود

و کنت جل جلاله الوبک نطقه من الهی یعنی بود این آدی از باز آدی می گویند  
می شود و در حدیث الامام زین العابدین آوردن آب تو مکان علقه خلق فسوی از  
بود این آدی از خون بسته پس آب می خورد و بر اندای تعالی پس راست کرد و بر او ای  
و از خون روی و سر و پای و دست و دیگر اعضا جعل حینه الزوجین الذمین  
فلا شتی پس کرد آنان معنی دو صفت یکی نزدیکی داده در خون ز جهان اگر خواهد  
ز آفریند و اگر خواهد داده و اگر خواهد هم ز مردم با و خستی در خاک تره خا رشتی انداخته از زنده  
بکن خاک کردی تو پیدر خاک تو نما در ساختی الیس ذلک علی ان یحیی الموتی اینست  
خداوندی که چنین کند از آب معنی قادر و توانا برین که زنده کند مردگان را یعنی قادر است که  
همیشه بود و باشد رسول با کنت صلی الله علیه و سلم سب می کند علی چون که تمام شدی  
و سنت اینست که چنین با یک کنت **سورة الدهر**

بسم الله الرحمن الرحيم  
هل علی الانسان حین من الدهر لیکن شیئاً مذکوراً  
پایستی که آمد بر آدم روزگاری که وی نبود چیزی یاد کرده شده بقول امام سید کاظم  
آدم را علیه السلام جعل سال میان کفر و عیاف نهاد و بود بر بسوی کفر با بی سستی عیاف  
فانک لو یسیر بری بروی بارید تا کل شد پس آفتاب بروی یافت تا بوی گرفت و جماد